

## الزامات بانک‌های تجاری و تخصصی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی

حسین زمانی میقان

کارشناس ارشد اقتصاد اسلامی دانشگاه مفید قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

(Hзамani69@gmail.com)

محمدامین نقشبند

دانشجوی ارشد علوم سیاسی، مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

(Naghshbandamin@gmail.com)

1

چکیده

تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار بر کشورهای خاص، می‌توانند تأثیرات مخربی بر رشد اقتصادی و امنیت اقتصادی کشورها داشته باشند. با توجه به اهمیت روزافزون اقتصاد مقاومتی در مقابله با تحریم‌ها، نوسانات و شوک‌های اقتصادی، نقش بانک‌های تجاری و تخصصی در تحقق این نوع اقتصاد بیش‌ازپیش باید موردتوجه قرار گیرد. بانک‌ها به‌عنوان نهادهای مالی کلیدی، می‌توانند با ارائه منابع مالی مناسب، مدیریت ریسک‌های مالی، حمایت از صنایع داخلی و افزایش شفافیت و سلامت مالی، به مقاوم‌سازی اقتصاد کمک کنند؛ بنابراین اهمیت این موضوع باعث شده است تا مقاله حاضر به بررسی الزامات و وظایف بانک‌های تجاری و تخصصی در راستای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی بپردازد. سؤال اصلی این پژوهش این است که الزامات بانک‌های تجاری و تخصصی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی چیست؟ برای بررسی تلاش شد تا ضمن بررسی رابطه بین اقتصاد مقاومتی و نقش بانک‌ها در این خصوص اهمیت ایجاد نظام اطلاعاتی و شیوه ارتباط نظام‌مند با بخش‌های مرتبط با اقتصاد موردبررسی قرار بگیرد. یافته‌های پژوهش درنهایت نشان می‌دهد که وجود نظام جامع آمایش اعتباری و ارزیابی طرح‌ها و پروژه‌ها جهت توزیع مناسب منابع، اجرای نظام جامع اطلاعاتی مشتریان جهت کنترل مطالبات معوق، وجود ارتباط نظام‌مند با بازار کالا و خدمات (بخش حقیقی اقتصاد)، وجود ارتباط نظام‌مند با بازار سرمایه، وجود ارتباط نظام‌مند با اقتصاد دانش‌محور، وجود ارتباط نظام‌مند با اقتصاد مردمی و مشارکتی و درنهایت وجود ارتباط نظام‌مند با سایر بخش‌های اقتصادی مرتبط با نظام بانکی پیشنهاد داده است این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: اقتصاد، اقتصاد مقاومتی، بانک، بانکداری

## مقدمه

رشد اقتصادی هر کشور و امنیت آن در جهان امروز که تعاملات اقتصادی بین‌المللی نقش حیاتی در تعیین وضعیت اقتصادی کشورها ایفا می‌کنند. در جهان امروز اقتصاد به‌جز ساختارهای داخلی تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد به عبارت دقیق‌تر درحالی‌که ساختارهای داخلی نقش مهمی در امنیت و پایداری اقتصاد کشورها و مهار آسیب‌های ناشی از آن دارد اما در شرایطی که بخشی از اقتصاد ملی به تعاملات جهانی وابستگی دارد باعث می‌شود که کشورها به‌شدت نیز در معرض تهدیدها و نوسانات جهانی قرار گیرند. ازجمله این تهدیدها می‌توان به تحریم‌های اقتصادی اشاره کرد که به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار بر کشورهای خاص، می‌توانند تأثیرات مخربی بر رشد اقتصادی و امنیت اقتصادی کشورها داشته باشند. در چنین شرایطی، ضرورت اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مقاومتی برای مقابله با این تهدیدها و افزایش پایداری اقتصادی کشورها بیش‌ازپیش احساس می‌شود. این سیاست پاسخی است در جهت تقویت بنیان‌های اقتصادی داخلی، افزایش تولید ملی، کاهش وابستگی به منابع خارجی و توسعه پایدار تا بتواند در برابر شوک‌ها و فشارهای خارجی مقاومت کرده و خودکفایی نسبی را در بسیاری از حوزه‌ها به ارمغان بیاورد.

2

بانک‌ها به‌عنوان نهادهای مالی اصلی و ستون فقرات اقتصادی کشورها، نقش کلیدی در تحقق اقتصاد مقاومتی ایفا می‌کنند. آن‌ها می‌توانند با تأمین منابع مالی لازم برای پروژه‌های تولیدی و زیرساختی، مدیریت صحیح ریسک‌های مالی، حمایت از صنایع داخلی و افزایش شفافیت و سلامت مالی، به تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی کمک کنند. تأمین مالی مناسب برای پروژه‌های تولیدی و زیرساختی، کاهش وابستگی به واردات، مدیریت صحیح ریسک‌های مالی و ارتقاء نوآوری و فناوری در بخش مالی، ازجمله اقداماتی است که بانک‌ها می‌توانند برای تحقق اقتصاد مقاومتی انجام دهند. بانک‌های تجاری و تخصصی هر دو می‌توانند نقش‌های متفاوت و مکملی در این فرآیند ایفا کنند. بانک‌های تجاری با تمرکز بر تأمین مالی کوتاه‌مدت و تسهیلات اعتباری برای کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، می‌توانند به رشد و توسعه این بخش‌ها کمک کنند. بانک‌های تخصصی با تأمین مالی بلندمدت و حمایت از پروژه‌های بزرگ و زیربنایی، می‌توانند به توسعه پایدار و ایجاد زیرساخت‌های اساسی کمک نمایند. این اقدامات می‌توانند به افزایش توانمندی اقتصادی کشورها، بهبود شاخص‌های اقتصادی و کاهش آسیب‌پذیری در برابر تحریم‌ها و نوسانات جهانی کمک کنند. حال این پژوهش باهدف بررسی و تحلیل الزامات بانک‌های تجاری و تخصصی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی انجام‌شده است. اهمیت این پژوهش در آن است که با شناسایی و تبیین این الزامات، می‌توان به تقویت نقش بانک‌ها در ایجاد اقتصادی پایدار و مقاوم کمک کرد و راهکارهای مؤثری برای مقابله با چالش‌های اقتصادی پیشروی کشورها ارائه داد. تحلیل دقیق الزامات و ارائه راهکارهای عملیاتی برای بانک‌ها، می‌تواند به سیاست‌گذاران و مدیران بانکی در تدوین استراتژی‌های مؤثر برای مقابله با تحریم‌ها و نوسانات اقتصادی کمک کند و زمینه‌ساز توسعه اقتصادی پایدار و مقاوم گردد. سؤال این پژوهش این است که الزامات بانک‌های تجاری و تخصصی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی چیست؟ فرضیه پژوهش این است که الزامات بانک‌های تجاری و تخصصی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی شامل ایجاد نظام اطلاعاتی و شیوه ارتباط نظام‌مند با بخش‌های مرتبط با اقتصاد است. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با اسناد کتابخانه‌ای گردآوری‌شده است.

## چارچوب مفهومی

اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم‌روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند. یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۶/۲). به عبارت دیگر، اقتصاد مقاومتی یک الگوی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی است که ضمن داشتن روند رو به رشد، در مقابل ترفندهای دشمنان از کمترین آسیب‌پذیری برخوردار است (وهاب و خوانساری، ۱۳۹۴: ۳). که در شرایط فعلی می‌تواند با نگاه به توانمندی‌های داخلی و در مواجهه با دشمنان نظام و شرایط استراتژیک کشور مورد بحث قرار گیرد. در ادبیات علمی، از به کارگیری مفهوم اقتصاد مقاومتی مدت‌زمان زیادی نیست که می‌گذرد. «اقتصاد مقاومتی» به معنای شناسایی حوزه‌های اعمال فشار، تلاش برای کنترل و خنثی‌سازی آن‌ها و در شرایط ایده‌آل، تلاش برای تبدیل فشارها به فرصت‌هاست. در واقع الگوی اقتصاد مقاومتی با نگاه به توان داخلی، مشکلات موجود و همچنین فشارهای خارجی و بین‌المللی ارائه شده نوعی از نظام اقتصادی را مطرح می‌کند که در عین مقابله با هجمه‌های بین‌المللی و موانع خارجی به رشد و پیشرفت کشور به صورت درون‌زا و برون‌نگر متمایل به استقلال اقتصادی حرکت نماید.

3

باید گفت از یک بعد دیگر اقتصاد مقاومتی نوعی اقتصاد است که در آن علاوه بر تعامل پویا با دنیای خارج و استفاده از امکانات تجارت آزاد، امنیت اقتصادی کشور حفظ شده و نوسانات محیط بین‌المللی اقتصادی و تهدیدهای آن، کمترین تأثیر سوء را در روند بلندمدت متغیرهای کلان اقتصاد داشته باشد. چنین اقتصادی مسلماً باید از تمام توانمندی‌های خود برای استفاده حداکثری از ظرفیت‌ها استفاده کرده و تلاش کند بر روی منحنی امکانات تولید حرکت کند. در یک اقتصاد مقاومتی، نباید تمرکز بیش از اندازه بر روی یک یا چند بخش یا ظرفیت اقتصادی کشور تکیه شود، بلکه باید تلاش شود تا همه ظرفیت‌های اقتصاد به حداکثر بهره‌برداری از توان خود برسند. این موضوع به خصوص در مورد اقتصاد ایران از اهمیت به سزایی برخوردار است. اقتصاد ایران دارای ظرفیت‌های بالایی بوده و به لحاظ موقعیت جغرافیایی در موقعیت ویژه‌ای قرار گرفته است. ایران از ظرفیت ترانزیتی بالایی برخوردار است و می‌تواند پل ارتباطی میان آسیا و اروپا را برقرار سازد زیرا یکی از کوتاه‌ترین مسیرها در زمینه ارتباط بین آسیای میانه و اروپاست. همچنین ایران دارای ظرفیت بالایی به لحاظ تنوع آب و هوایی است. تنوع آب‌وهوایی در ایران باعث شده است تا ایران به لحاظ موقعیت توریستی شرایط ویژه‌ای داشته باشد. یکی از دیگر ظرفیت‌ها و مزیت‌های اقتصاد ایران، نیروی کار جوان و تحصیل کرده است. سرمایه‌گذاری بر روی تحصیلات عالی و تحصیلات تکمیلی طی سال‌های پس از انقلاب باعث شده تا نیروی کار جوان و تحصیل کرده زیادی در حال حاضر در بازار کار فعال باشد که این موضوع هم یک فرصت و هم یک چالش محسوب می‌شود، اما به‌طور کلی وجود نیروی کار جوان و تحصیل کرده یک فرصت است که در حال حاضر کشور ما می‌تواند از آن بهره‌برداری کند. به‌طور کل در اقتصاد مقاومتی باید تلاش شود تا ضمن توجه به متنوع سازی منابع، از تمامی ظرفیت‌های اقتصاد استفاده شود (مرکز مطالعات اقتصادی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱).

از واژگان نزدیک به این بحث مقاومت اقتصادی است که می‌توان گفت آن عبارت است از توانایی اکتسابی یک اقتصاد برای بهبود و تعدیل اثرات ناشی از شوک‌های اجتناب‌ناپذیر و نامطلوب اقتصادی (لینو بریگو گلیو و دیگران، ۱۳۹۹).

مقاومت اقتصادی و اقتصاد مقاومتی دو مفهوم مرتبط اما متفاوت هستند که هرکدام از جنبه‌های خاصی از اقتصاد در مقابله با چالش‌ها و تهدیدات هستند. مقاومت‌های اقتصادی به یک اقتصاد برای مقابله با شوک‌ها و بحران‌های داخلی و بازگشت به وضعیت اشاره دارد. این مفهوم بیشتر به ویژگی‌های پاسخگویی به بحران‌ها، کاهش اثرات منفی شوک‌ها و جلوگیری از کاهش شدید در

فعالیت‌های اقتصادی و بازگشت سریع به وضعیت و وضعیت موجود است. از سوی دیگر، اقتصاد مقاومتی یک مفهوم خاص و استراتژیک است که به توانمندسازی اقتصاد در برابر تهدیدات و آسیب‌های مختلف با تکیه‌های دیگر بر روی داخلی و خودکفایی اشاره دارد. ویژگی‌های کلیدی اقتصاد مقاومتی با افزایش تولید داخلی و کاهش وابستگی به واردات، به‌ویژه در زمینه‌های حیاتی و استراتژیک مانند انرژی، غذا و فناوری، تنوع‌بخشی در منابع درآمدی و اقتصادی برای کاهش وابستگی به یک منبع خاص، ایجادها و سیاست‌های اقتصادی است. پایداری برای مقابله با تهدیدات بلندمدت مانند تحریم‌ها و جنگ‌های اقتصادی، روش‌های مبتنی بر عدالت اجتماعی و استفاده از منابع و فرصت‌ها برای همه اقشار جامعه به‌منظور افزایش همبستگی اجتماعی و کاهش نابرابری‌ها و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و استفاده از فناوری‌های نوین برای افزایش بهره‌وری و استفاده از فناوری‌های نوین. کار آیی اقتصادی است. اصلی‌های اصلی این دو مفهوم در حوزه، تفاوت در تفاوت در مقابل واکنش، خودکفایی در مقابل تاب‌آوری و تنوع و پایداری است. مقاومت اقتصادی بیشتر بر پاسخگویی به شوک‌ها و بازگشت به وضعیت اقتصاد مقاومتی است، درحالی‌که مقاومتی به ایجاد ساختارهای پایدار و خودکفا برای مقابله با تهدیدات مقاومت دارد. اقتصاد مقاومتی یک استراتژی بلندمدت است که شامل برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری برای تقویت اقتصاد در برابر تهدیدات است، درحالی‌که مقاومت بیشتر به واکنش‌های کوتاه‌مدت و میانی به شوک‌ها و بحران‌ها مربوط می‌شود. همچنین، اقتصاد مقاومتی بر خودکفایی و کاهش وابستگی به منابع خارجی داخلی دارد، درحالی‌که مقاومت اقتصادی بیشتر به تاب‌آوری و بازیابی پس از شوک‌ها توجه دارد. درنهایت، مقاومتی به تنوع‌بخشی و پایداری اقتصادی بلندمدت موردتوجه قرار می‌گیرد، درحالی‌که مقاومت اقتصادی به پایداری و بازگشت به وضعیت اقتصادی بیشتر در کوتاه‌مدت می‌پردازد.

واژه دیگر جهاد اقتصادی است که می‌توان آن را چنین تعریف کرد که آن حرکت مستمر همه جانبه هدف‌دار با نیت خنثی کردن و عقیم کردن تلاش خصم‌آلود و غرض‌آلود دشمن. تلاش در مقابل دشمنی دشمن. جهاد اقتصادی؛ یعنی مبارزه اقتصادی (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰)؛ به عبارت دیگر، جهاد اقتصادی حرکتی جهشی با نیت اعتلای اسلام و افزایش عزت و پیشرفت یک ملت (مثلاً ایران) در عرصه‌ای است که دشمن در مقابله با پیشرفت کشور و ملت حضور دارد (علوی منش، ۱۳۹۲: ۵۲)

#### الزامات بانک‌های تجاری و تخصصی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد اقتصاد مقاومتی یک استراتژی برای مقاوم‌سازی اقتصاد کشور در برابر شوک‌ها و بحران‌های داخلی و خارجی است. در این راستا، بانک‌های تجاری و تخصصی نقش بسیار مهمی در تحقق این اهداف دارند. از جمله الزامات بانک‌های تجاری و تخصصی در مقابل با چالش‌های موجود در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی عبارت است از:

#### ۱- وجود نظام جامع آمایش اعتباری و ارزیابی طرح‌ها و پروژه‌ها جهت توزیع مناسب منابع

رشد و توسعه پایدار هر کشور مستلزم هدایت صحیح منابع مازاد پس‌انداز کنندگان به سمت سرمایه‌گذاری‌های مولد است؛ چنانچه منابع مازاد پس‌انداز کنندگان از طریق بازارهای مالی کارآ و کارآمد به سمت سرمایه‌گذاران و کسانی که امکان و توانایی استفاده بهینه از این منابع را در جهت رسیدن به اهداف کلان اقتصادی داشته باشند، هدایت شود، زمینه تحقق رشد اقتصادی

فراهم می‌شود. از سوی دیگر با توجه به بالا بودن حجم مبادلات اقتصادی کشور از طریق نظام بانکی، کارکرد صحیح این نظام، نقش تعیین‌کننده‌ای را در بهبود فعالیت‌های اقتصادی خواهد داشت. با نگاهی به تاریخچه بانک و بانکداری، شاهد آن هستیم که این نهاد همواره مسئولیت مبادلات پولی و مالی را بر عهده داشته است و لذا نقش عمده‌ای در توسعه و پیشرفت اقتصادی دارد. به همین دلیل بانک‌ها با در اختیار گرفتن منابع پس‌انداز کنندگان و هدایت آن به سمت زمینه‌های تولید و... امکان معوق شدن این منابع وجود دارد. به همین دلیل وجود یک نظام جامع آمایش اعتباری و اعتبارسنجی ضرورت می‌یابد.

آمایش استفاده بهینه و عقلانی و پی بردن به «ارزش‌های فضا» به‌منظور کارکردهای مؤثر اقتصادی و اجتماعی است (صنعی، ۱۳۹۰: ۱۷۰). برنامه آمایش دارای افق بلندمدت است و این برنامه، مرز بین برنامه کلان و برنامه‌های منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، برنامه آمایش برنامه‌های منطقه‌ای را به برنامه‌های ملی پیوند می‌دهد. به همین علت، یکی از مهم‌ترین اهداف این طرح‌ها، بهسازی در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی است. از این رو می‌توان آمایش اعتباری را یکی از جنبه‌های آمایش شمرد که با برنامه‌ریزی و به کار بردن ساختار مناسب برای ارزیابی طرح‌ها و پروژه‌ها، در جهت توزیع مناسب منابع مالی از طریق کاهش. کنترل ریسک به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم و مؤثر بر بهبود فرآیند اعطای اعتبار بکار می‌رود و در زمینه توزیع مناسب منابع بر اساس اعتبارسنجی مشتریان، از اهمیت بالایی برخوردار است.

5

از سویی فقدان فرهنگ اعتباری صحیح، اساس و بنیان نظام اقتصادی را با چالش‌های اساسی مواجه می‌سازد. در صورتی که فرهنگ اعتباری مناسبی در جامعه حاکم نباشد، بخش محدودی از افراد جامعه، انحصار منابع مالی و اعتباری را در اختیار خود گرفته و با عملکرد نامناسب و عدم ایفای تعهدات، امکان بهره‌مندی دیگران از این‌گونه خدمات را سلب می‌نمایند. نگاهی گذرا به مشکلات حوزه خدمات مالی و اعتباری در ایران و آمار بالای معوقات نظام بانکی و اعتباری و مهم‌تر از همه عدم دسترسی بخش عمده مردم ایران به خدمات مالی مناسب و موردنیاز برای بسیاری از جنبه‌های اقتصادی زندگی و فردی به‌وضوح نشان می‌دهد که باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های عمومی در این زمینه از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. تجارب سایر کشورهای دنیا به‌ویژه کشورهایی که در مدیریت نظام اقتصادی خویش موفق عمل نموده‌اند نشان می‌دهد که برای مهندسی فرهنگ اعتباری، باید طراحی دقیقی صورت پذیرد (جلیلی، ۱۳۸۶: ۲۰).

با نگاهی به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی درمی‌یابیم که عدالت در توزیع منابع در کنار نظام آمایش اعتباری یکی از محورهای تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور است و توزیع منابع و تسهیلات بانکی در سراسر کشور و عدم تمرکز آن تنها در برخی از استان‌ها و شهرهای پرجمعیت و بانفوذ در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، از جمله دیگر الزامات لازم جهت تحقق اقتصاد مقاومتی توسط بانک‌های تجاری و تخصصی است. به‌گونه‌ای که این سهمیه‌بندی و تخصیص اعتبارات و تسهیلات بانکی به بخش‌های مختلف اقتصادی، می‌تواند به‌عنوان یک ابزار سیاستی مناسب (سیاست پولی)، اقدام به جهت‌دهی اعتبارات به سمت بخش‌های اقتصادی که مطلوبیت بیشتری را برای نظام اقتصادی کشور به دنبال دارد، نماید. بانک مرکزی نیز در این راستا می‌تواند با سیاست‌های تشویقی خود، این بانک‌ها را در توزیع عادلانه منابع هدایت کند و حمایت‌های ویژه‌ای را به بانک‌هایی که اهتمام بیشتری در اجرای این مسئولیت‌های اجتماعی دارند، اعمال کند.

از این رو بانک‌های تجاری و تخصصی به‌عنوان یکی از نهادهای فعال در زمینه تحقق اقتصاد مقاومتی و توزیع عادلانه منابع بانکی، در مقام اعطای تسهیلات، افزون بر اطمینان از توجیه فنی، مالی و اقتصادی پروژه و دریافت وثائق و ضمانت‌های لازم از متقاضی

تسهیلات، می‌توانند به صورت تخصصی وارد طرح‌ها و پروژه‌های اقتصادی شوند و به منظور تحقق بند یک سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مبنی بر تأمین شرایط و امکانات و منابع مالی در جهت به حداکثر رساندن مشارکت آحاد مردم در فعالیت‌های اقتصادی گام بردارند.

## ۲- اجرای نظام جامع اطلاعاتی مشتریان جهت کنترل مطالبات معوق

از آنجاکه مطالبات معوق، یکی از بزرگ‌ترین مشکلات نظام بانکی ما در حال حاضر است و نظام بانکی از این جهت ضربات بسیاری خورده و آسیب‌پذیر شده است، به منظور جلوگیری از افزایش مطالبات معوق لازم است که مشتریان و متقاضیان تسهیلات بانکی به‌ویژه متقاضیان تسهیلات کلان بر اساس یک نظام جامع اطلاعاتی و اعتبارسنجی دقیق مورد بررسی قرار گیرند. همچنین در تسهیلات کلان باید بر اساس آیین‌نامه تسهیلات کلان ارزیابی لازم انجام شود. این امر موجب می‌شود تا منابع بانکی به سمت مجاری مطمئن هدایت شود. افزون بر این، می‌توان اوراق بهادار و ابزارهای مالی را با توجه به میزان ریسک و بازده آن‌ها و بر اساس سلیقه‌های گوناگون مشتریان عرضه کرد.

از این رو، اعتبارسنجی مشتریان بانکی یکی از اقداماتی است که نقش بسیار مهمی در شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد و کنترل مطالبات معوق مشتریان بانکی ایفا می‌کند؛ زیرا در سامانه‌های اعتبارسنجی، سوابق اعتباری افراد ثبت می‌شود و نه تنها در نظام بانکی از آن استفاده می‌شود، بلکه در زمینه‌های دیگر معاملات تجاری، اشتغال به کار و ... نیز می‌توان از شناسنامه اعتباری افراد استفاده کرد و این امر زمینه کاهش بسیاری از فسادها و تخلفات را فراهم می‌سازد. از این رو با توجه به اینکه در بند نوزدهم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، بر شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا اشاره شده است، با استفاده از نظام جامع اطلاعاتی مشتریان می‌توان از افزایش مطالبات معوق مشتریان بانکی جلوگیری نمود و از این طریق به اهداف اقتصاد مقاومتی در زمینه شفاف‌سازی و کاهش فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در اقتصاد نزدیک‌تر شد.

## ۳- وجود ارتباط نظام‌مند با بازار کالا و خدمات (بخش حقیقی اقتصاد)

پیوند و ارتباط میان نظام بانکی و نظام تولیدی یکی از مهم‌ترین موضوعات و چالش‌ها در راستای مقاوم‌سازی اقتصاد است و کارکرد مستقیمی را بر مقاوم‌سازی اقتصاد ایران دارد. این در حالی است که تضاد منافع بین نظام بانکی و نظام تولیدی در ایران مشهود بوده؛ به گونه‌ای که بخش‌های تولیدی با ارائه آمار و اطلاعات ناصحیح، وام‌ها و تسهیلات اخذ شده از بانک‌ها را به سمت انجام فعالیت‌های سوداگری و ... انتقال می‌دهند و بانک‌ها نیز به روش‌های مختلف از ارائه خدمات مالی با هزینه مناسب (نرخ سود مناسب و منطقی متناسب با آن زمینه) طفره می‌روند. به گونه‌ای که افزایش نسبت مطالبات معوق به کل تسهیلات ارائه شده در سال ۱۳۸۵ از ۹/۲ درصد به ۱۲/۱ درصد در سال ۱۳۹۳، می‌تواند شاهدی بر این مدعا باشد.

در نظام تأمین مالی ایران، نقش بیشتر تأمین مالی را نظام بانکی بر عهده دارد؛ به گونه‌ای که در سال‌های اخیر، همیشه نسبت تأمین مالی صورت گرفته از طریق نظام بانکی، بیشتر از تأمین مالی صورت گرفته توسط بازار سرمایه است که حاکی از بانک پایه بودن نظام تأمین مالی ایران است (نظرپور و حقیقی، ۱۳۹۲: ۷۴) و مهم‌ترین منابع سرمایه‌گذاری پس‌اندازهای خرد مردمی

<sup>۱</sup>- Bank Based.

در اختیار بانکها است که منابع لازم جهت اعطای تسهیلات به منظور اعطای وام و تسهیلات را برای بانکها فراهم می‌کند؛ که متأسفانه این روند در طی سال اخیر به‌گونه‌ای بوده است که منابع بانکی در بخش غیر موضوع آن و یا صرف اعطای تسهیلات به بخش غیر تولیدی شده است. از این رو انجام صحیح وظایف تأمین مالی توسط بانکها و مصرف آن در محل موضوع آن، می‌تواند نقش مهم و اساسی را در تولید و سرمایه‌گذاری داخلی بر عهده داشته باشد؛ زیرا غالب سرمایه‌گذاریها احتیاج به سرمایه مالی عظیمی دارند که به‌طور معمول از عهده یک یا چند نفر خارج است.

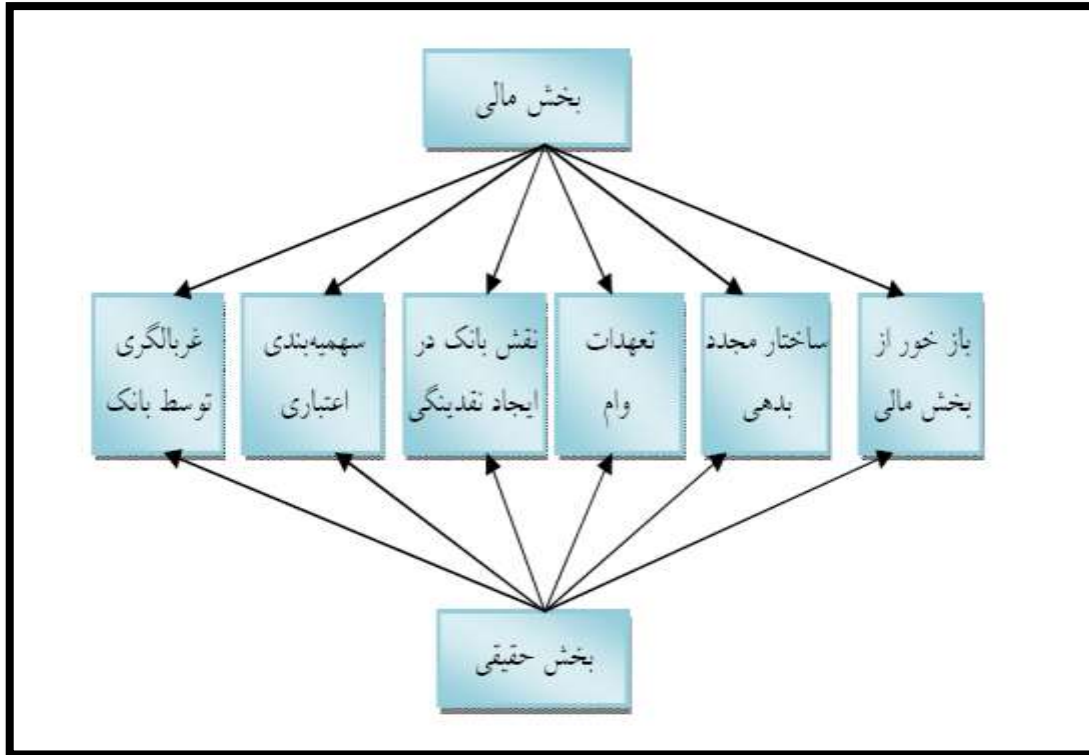
سیستم بانکی با استفاده از شعب متعدد خود، می‌تواند پس‌اندازهای کوچک و بزرگ اشخاص و خانواده‌ها را جمع‌آوری و به سرمایه‌های بزرگ تبدیل کرده و در اختیار صاحبان صنایع و مؤسسات تولیدی و تجاری (بخش حقیقی اقتصاد) قرار می‌دهند و از این طریق زمینه رشد، شکوفایی و اشتغال در مقیاس بالا و مورد نظر اقتصاد مقاومتی (نرخ بیکاری پایین) را فراهم می‌آورند. به این صورت که با هدایت و تخصیص منابع بانکی و تأمین نقدینگی لازم برای فعالیتهای مولد اقتصادی و مدیریت کلان در ایجاد زنجیره‌ی ارتباطی بین بنگاه‌های کوچک و متوسط با بنگاه‌های بزرگ ملی جهت نظام‌مند و هدفمند نمودن تولید بنگاه‌های تولیدی کوچک و متوسط (SME)<sup>۲</sup>، به تولید ملی رونق و انسجام بیشتری دهند. در واقع باید در نظام بانکداری مقاومتی، اعطای تسهیلات به قراردادهای واقعی که قابلیت پیشی گرفتن از بخش حقیقی اقتصاد را ندارند و مبتنی بر تهیه و ارائه کالاها و خدمات حقیقی می‌باشند و همچنین دارای توجیه‌پذیری فنی، مالی و اقتصادی هستند، منوط شود؛ تا ضمن به‌کارگیری هر چه بیشتر و صحیح‌تر عقود اسلامی در نظام بانکی، زمینه برقراری ارتباط و پیوندهای عمیق‌تر با بخش حقیقی اقتصاد و گسترش تولید ملی نیز فراهم شود. این امر با سوق دادن منابع بازارهای مالی (به میزان مشخص) به سمت بازار کالا و خدمات داخلی<sup>۳</sup>، منجر به توازن در بازارهای مختلف اقتصادی کشور می‌شود و به کنترل حجم نقدینگی متناسب با حجم فعالیت اقتصاد نیز کمک خواهد نمود (نرخ تورم پایین) می‌شود (حقیقی و مؤمنی نژاد، ۱۳۹۴: ۳۵۶).

بنابراین، بانک‌های کشور - اعم از دولتی و خصوصی - می‌توانند با تجهیز این منابع و هدایت آنها به سمت تولید، منابع مالی تجهیز شده را در مسیر تولیدات داخلی، مصرف نمایند؛ زیرا در صورت عدم تحقق چنین مسئله‌ای، علاوه بر از دست دادن زمان، اقتصاد مقاومتی هم محقق نمی‌شود. در نمودار زیر، مسیرهای تأثیرگذاری بخش حقیقی اقتصاد بر نظام مالی نشان داده شده است.

<sup>۲</sup>- Small & Medium- Sized Enterprises.

<sup>۳</sup> - از طریق هدایت حداکثری تسهیلات و تعهدات خرد و کلان به سمت تولید، توزیع و خرید کالاهای داخلی.

نمودار مسیرهای تأثیرگذاری بخش حقیقی اقتصاد بر بخش مالی



منبع: (Thakor, 1996: 924).

8

۴- وجود ارتباط نظام مند با بازار سرمایه

یکی از مطالعاتی که می تواند وضعیت نظام بانکی ایران را مشخص سازد، گزارش رقابت پذیری مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۴-۲۰۱۵ میلادی است. در این گزارش موانع رقابت پذیری در ۱۴۴ کشور از نظر ۱۲ شاخص مورد بررسی قرار گرفته است. طبق این گزارش، بازارهای مالی ایران کمترین نمره، یعنی ۳ از ۷ را اخذ نموده است و لذا یکی از ضعیف ترین رکن رقابت پذیری اقتصاد ایران را می توان نظام مالی آن قلمداد کرد؛ که از نظر این شاخص، در میان ۱۴۴ کشور دنیا دارای رتبه ۱۲۸ است. همین امر باعث شده است که از نظر دسترسی به خدمات مالی در رتبه ۱۳۵ قرار بگیرد. در جدول زیر، ارکان کار آیی نظام مالی ایران از نظر گزارش رقابت پذیری سال ۲۰۱۴ - ۲۰۱۵ قابل مشاهده است.



جدول ارکان کار آبی نظام مالی ایران از نظر گزارش رقابت پذیری سال ۲۰۱۴-۲۰۱۵

نمره ایران	رتبه ایران در بین ۱۴۴ کشور	متغیر
۳	۱۲۸	کار آبی نظام مالی
۲/۹	۱۳۵	در دسترس بودن خدمات مالی
۳/۱	۱۳۰	هزینه استفاده از خدمات مالی
۳	۹۹	تأمین مالی از طریق بازار سهام
۱/۶	۱۴۱	سهولت دسترسی به تسهیلات بانکی (وام)
۱/۹	۱۳۳	در دسترس بودن منابع مالی برای سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز کارآفرینان
۳/۸	۱۲۵	استحکام بانکی
۳/۶	۱۰۲	تنظیم و نظارت بر بورس
۴	۹۶	شاخص حمایت‌های قانونی از حقوق قرض دهنده و قرض گیرنده

منبع: WEF-GLOBAL COMPETITIVENESS REPORT 2014-2015.

با توجه به وضعیت کارآبی نظام مالی کشور و همچنین با توجه به بانک محور بودن آن، ارتباط این بازار با بازار سرمایه در جهت توسعه و تعمیق این بازار، می‌تواند در راستای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی متمر ثمر قرار گیرد. در این راستا، قابل ذکر است که نظام بانکداری بدون ربای ایران عمدتاً بر این اساس طراحی شده است که منابع تجهیز شده توسط بانک‌ها در دو قالب است. دسته اول، مجموع سپرده‌های قرض‌الحسنه (جاری و پس‌انداز) و سرمایه صاحبان سهام است که منابع متعلق به بانک را تشکیل می‌دهد و دسته دوم، منابع و سپرده‌هایی است که به صورت بلندمدت می‌باشند و نوعاً، بانک‌ها بر اساس این نوع سپرده‌ها، اوراق سهام یا اوراق مشارکت با سرسید معین و یا اوراق گواهی سپرده قابل معامله، منتشر می‌کنند که می‌تواند در امور مختلف اقتصادی به عنوان ابزار تأمین مالی به کار برده شوند. به علاوه، این منابع می‌تواند به صورت اموال یا دارایی مالی نظیر سهام شرکتی بانک‌ها در مشارکت مدنی و مضاربه، اوراق اجاره، اوراق مرابحه (فروش اقساطی) و اوراق است‌صناع و... در بازار سرمایه تبدیل شود. به عبارت ساده‌تر، منابع جذب شده در شکل سپرده سرمایه‌گذاری از یک طرف، به صورت اوراق سپرده، نظیر سهام موقت یا اوراق مشارکت، هم در بانکداری اسلامی و هم در بورس اوراق بهادار، قابل دادوستد است. از طرف دیگر، این منابع پس از

مصرف توسط بانک اسلامی، به صورت دارایی مالی درمی‌آیند که آن نیز، هم در بانک اسلامی و هم در بورس اوراق بهادار، قابل معامله است (مجتهد و حسن‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۶۶-۱۶۵).

همچنین، در نظام مالی بدون ربا، بخش اعظمی از سپرده‌ها و تسهیلات اعطائی بانک‌های اسلامی به‌ویژه تسهیلات فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، جعاله، استصناع، خرید دین، مشارکت مدنی، مضاربه و... بر اساس فقه امامیه، قابل تبدیل به اوراق بهادار و فروش در بازارهای مالی می‌باشند و از این میان، تسهیلات اجاره به شرط تملیک، فروش اقساطی، استصناع و مضاربه بهترین گزینه محسوب می‌شوند. بنابراین با توجه به انواع و اقسام اوراق سپرده‌ای و تسهیلاتی که به روش‌های مختلف می‌توان طراحی نمود، می‌توان ارتباط متقابل نظام بانکی و بازار سرمایه اسلامی را در حد قابل قبولی متحول و فعال‌تر ساخت. به این گونه که هنگامی که نظام بانکی نیاز به تأمین مالی دارد، یکی از طرق تأمین مالی وی، خرید و فروش اوراق در بازارهای مالی اسلامی باشد و در واقع بازار سرمایه مکملی برای نظام بانکی باشد. بانک‌ها هر وقت احساس کنند که منابع حاصل از سپرده‌ها، از برنامه پیش‌بینی شده برای اعطای تسهیلات (علاوه بر ذخایر احتیاطی) بیشتر شده است، به تملک و خرید ابزارهای مالی از بازار بورس اقدام می‌کنند و برعکس هرگاه احساس کنند برای اعطای تسهیلات به منابع بیشتری نیاز دارند، آن‌ها را در بازار می‌فروشند و از این راه، ضمن ممانعت از تراکم منابع مازاد، سودی را نیز به دست می‌آورند؛ چنان‌که می‌توانند از راه معامله‌های بین‌بانکی، منابع مازادشان را به‌کارگیرند. در طرف مقابل، فعالان بازار سرمایه نیز می‌توانند از اوراقی که بر اساس عقود و تسهیلات اعطا شده توسط بانک‌ها منت‌شر شده، در جهت تأمین مالی خود برآیند. کارگزاران بازار سرمایه می‌توانند با پرداخت وثیقه و یا اوراق بهادار خود به بانک‌ها و یا مؤسسات مالی و اعتباری، تسهیلات دریافت کنند و به سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه (و حتی بازارهای بین‌المللی) بپردازند.

از آنجاکه در بانکداری بدون ربا، بانک‌ها می‌توانند در جایگاه وکیل سپرده‌گذاران در خرید اوراق بهادار و اوراق سهام از بازار سرمایه، سرمایه‌گذاری کنند؛ رونق بیشتر بازار سرمایه، افزون بر این‌که می‌تواند در شکل‌گیری بیشتر پس‌اندازها و هدایت آن‌ها به سرمایه‌گذاری گسترده‌تر و متنوع‌تر کمک کند، امکان سرمایه‌گذاری بیشتر و گسترده‌تر بانک‌ها را در بازار سرمایه فراهم می‌سازد و از این طریق زمینه مناسبی برای سرمایه‌گذاری بیشتر و تأمین مالی مطمئن‌تر برای بنگاه‌های اقتصادی فراهم می‌سازد. از سوی دیگر بانک‌ها با داشتن افراد خبره و کارشناسان برجسته با محدودیت کمتری در مقایسه با اشخاص حقیقی و حقوقی مواجه‌اند که این خود عاملی برای ثبات و بهبود نسبی بازده‌های حاصل از سرمایه‌گذاری بانک‌ها و کاهش احتمال زیان و سبب اعتماد مردم به سپرده‌گذاری در بانک‌ها می‌شود؛ از این رو تعامل مثبت و سازنده نظام بانکی و بازار سرمایه، سبب رونق (تقویت) بازارهای مالی خواهد شد (نظر پور و حقیقی، ۱۳۹۲: ۲۷-۲۸)؛ و سازوکار تأمین مالی از بازار سرمایه را نیز گسترش می‌دهد. لذا این امر ضمن تقویت نظام مالی کشور مطابق با بند ۹ سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، مقدمات اجرای سیاست‌های ترکیبی پولی و مالی در جهت خروج از شرایط تورم رکودی حاکم بر اقتصاد کشور (کنترل تورم و خروج از رکود) فراهم نموده (حقیقی و مؤمنی نژاد، ۱۳۹۴: ۲۵۸) و همچنین می‌تواند زمینه‌ساز تقویت تعامل همه‌جانبه نظام مالی کشور با نظام مالی بین‌المللی را نیز فراهم آورد.

## ۵- وجود ارتباط نظام مند با اقتصاد دانش محور

در راستای تحقق اقتصاد دانش بنیان، استفاده از تجارب بانک‌های دیگر کشورها می‌توان استفاده نمود. به‌عنوان نمونه بانک توسعه‌ای کشور مالزی از سال ۱۹۹۹ توجه خود را معطوف به طرح‌های کارآفرینی متمرکز کرده است. همین‌طور بانک توسعه‌ای کره و ژاپن، توسعه فناوری‌های پیشرفته، صادراتی بودن طرح‌ها و همچنین برخورداری از واحدهای تحقیق و توسعه را در تخصیص منابع خود در نظر دارند. بانک توسعه‌ای در آلمان نیز در سال ۱۹۹۴، ارتقای فعالیت‌های تحقیق و توسعه را در پیش گرفت (ابوجعفری، ۱۳۸۹: ۱۸۳)؛ بنابراین با استفاده از این نگاه، می‌توان بخشی از منابع بانکی را به اهداف توسعه‌ای و دانش بنیان اختصاص داد. در این راستا، نظام بانکی کشور می‌تواند با حمایت از نوسازی و تجهیز بنگاه‌های تولیدی به دانش فنی روز باهدف ارتقای بهره‌وری و رقابت‌پذیری و مشارکت در تأسیس شرکت‌های دانش بنیان و حمایت مالی از تحقیقات کاربردی در زمینه‌های مختلف به اقتصاد مقاومتی و خروج از شرایط رکودی کشور کمک شایانی نماید. درواقع، منابع مالی بانک‌ها در قالب اعطای تسهیلات لازم و یا گشایش تعهدات لازم (اعم از گشایش انواع اعتبارات اسنادی (LC)، ضمانت‌نامه‌ها (LG) و...)، به تجاری‌سازی ایده‌ها و خدمات صورت گرفته از سوی کارآفرینان و صادرات این محصولات، می‌تواند اقدامی عملی در این راستا باشد.

با این رویکرد، رابطه اقتصاد مقاومتی با اقتصاد مبتنی بر علم و دانش از طریق شرکت‌های دانش بنیان استحکام می‌یابد. از این‌رو، این شرکت‌ها هم در تحقق اقتصاد دانش بنیان نقش دارند و هم در مدل اقتصاد مقاومتی کارایی و کاربرد دارند. به این صورت که حمایت از شرکت‌های دانش بنیان موجب تحول در عرصه‌ی علم و دانش و کشف یافته‌ها و نتایج جدید اقتصادی می‌شود که این یافته‌ها می‌تواند در اجرای اصول اقتصاد مقاومتی مورد استفاده قرار گیرد؛ بنابراین با سرمایه‌گذاری بانک‌های تجاری و تخصصی و حمایت ایشان از شرکت‌های دانش بنیان، با توجه به ویژگی‌های خود و پویایی و تطبیق با شرایط محیط پیرامونی و انعطاف‌پذیری بالا، ظرفیت مناسبی برای روبه‌رو شدن با شرایط تحریم را دارا هستند، می‌توان به ثروت و منابع مالی دست یافت و با توجه به توانمندتر بودن این شرکت‌ها، در مقایسه با شرکت‌های سنتی، سبب افزایش بهره‌وری و کارآمدی شرکت‌های دولتی واکذار شده خواهد شد. همچنین با حمایت مالی بانک‌های تجاری و تخصصی از شرکت‌های دانش بنیان در راستای تحقق بند ۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، استراتژی عدم تمرکز فعالیت‌های تولیدی در چند شرکت بزرگ دولتی، مانع از تحریم آسان محصولات یا مواد اولیه شرکت‌ها می‌گردد.

بنابراین، با تغییر رویکرد بانک‌های مقاومتی تجاری و تخصصی، به‌خصوص در زمینه تأمین منابع مالی طرح‌های کارآفرینانه و دانش بنیان، زمینه ایجاد یک اقتصاد مقاومتی و مبتنی بر دانش فراهم خواهد شد و در صورتی که برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی از این مسیر به تخصیص اعتبارات اقدام نماید، باعث می‌شود که از یک‌طرف، کارآفرینان و بنگاه‌های دانش بنیان، تعامل بهتری با بانک‌ها و سایر بازارهای موجود اعم از کالا و خدمات، نیروی کار و... داشته باشند و از طرف دیگر، بانک‌ها نیز منابع خود را به شکل کارآتر و سودمندانه‌تری (از حیث کمک به تولید ملی دانش محور) به متقاضیان تسهیلات ارائه خواهند کرد. این امر منجر خواهد شد که بنگاه‌های دانش بنیان، ضمن جذب نیروهای تحصیل کرده و خبره بیکار (کمک به خروج از رکود و بیکاری)،

خود و یا با همکاری سایر بنگاه‌های اقتصادی، زمینه به‌کارگیری دانش خود در ساخت، تولید و یا راه‌اندازی آن را به‌صورت عملی فراهم نمایند و بالطبع، بهره‌وری و قدرت رقابت‌پذیری کشور در صادرات محصولات دانش‌بنیان نیز بالا خواهد رفت.<sup>۴</sup>

#### ۶- وجود ارتباط نظام‌مند با اقتصاد مردمی و مشارکتی

یکی دیگر از اقدامات نظام بانکی در راستای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی، کمک به مردمی کردن اقتصاد و مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی و در جهت تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی از طریق عدم تمرکز منابع بانک‌ها در برخی استان‌ها و شهرهای پرجمعیت و با نفوذ سیاست‌گذاری‌های اقتصادی است. در این زمینه، نظام بانکی کشور می‌تواند با توزیع عادلانه فرصت‌ها از جمله؛ عدالت در تخصیص بهینه منابع و کمک به اجرای دقیق و کامل سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (کمک به منطقی و متناسب‌سازی حجم دولت در اقتصاد و نیاز کشور) و جلوگیری از گردش پول در دست افراد محدود و خاص و همچنین جلوگیری از ایجاد رانت‌های اقتصادی راهگشا باشد و نقش مؤثری را در تحقق این موضوع بر عهده داشته باشد.

از سوی دیگر، بانک‌ها با پذیره‌نویسی اوراق بخش‌های مختلف اقتصادی (و حتی خود بانک‌ها) و فروش آن‌ها به مردم در قالب خصوصی‌سازی، یکی از راه‌های جدی برای رسیدن به مردمی کردن اقتصاد و تحقق اقتصاد مشارکتی مبتنی بر مشارکت آحاد مردم منطبق با بند ۱ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی می‌تواند باشد؛ زیرا هدف اصلی از حضور بخش خصوصی در اقتصاد - ضمن منطقی‌سازی اندازه دولت و کاهش هزینه‌های غیرضروری دولت، توانمند کردن اقتصاد برای مقابله با فشار و تحریم‌های خارجی و مدیریت منابع و مصارف است و در شرایط تحریم، بانک‌های خصوصی تحت فشار و محدودیت‌های نسبتاً کمتری نسبت به بانک‌های دولتی قرار می‌گیرند. از این‌رو، تقویت نقش و عملکرد خصوصی‌سازی بانک‌ها و سایر بخش‌های اقتصادی، به‌ویژه در عرصه ارزی و بین‌المللی می‌تواند تا حدودی از مشکلات تعاملات مالی کشور را کاهش دهد (همان: ۳۵۹).

از این‌رو، اقتصاد کشور هر چه بیشتر به سمت مردمی کردن و مشارکت آحاد جامعه در اقتصاد حرکت کند، به‌گونه‌ای که بتواند فعالیت‌ها را مبتنی بر نقش و مشارکت مردم نماید، تحریک‌پذیری را سخت‌تر می‌کند. چراکه در این صورت، نمی‌توان همه مردم را تحریم کرد و این امر (مردمی کردن اقتصاد)، قدرت تحریم‌شکنی را در اقتصاد کشور بالاتر می‌برد و بانک‌ها با جهت‌دهی تسهیلات خود به بخش خصوصی فعال و توجیه‌پذیر، زمینه تولید و اشتغال بخش خصوصی را فراهم سازند، این امر باعث می‌شود که بخش خصوصی با مشکلات جدی روبرو نخواهد شد؛ بنابراین، اقتصاد مردم‌محور می‌تواند در برابر تحریم‌های وارده، مقاومت بیشتری داشته باشد.

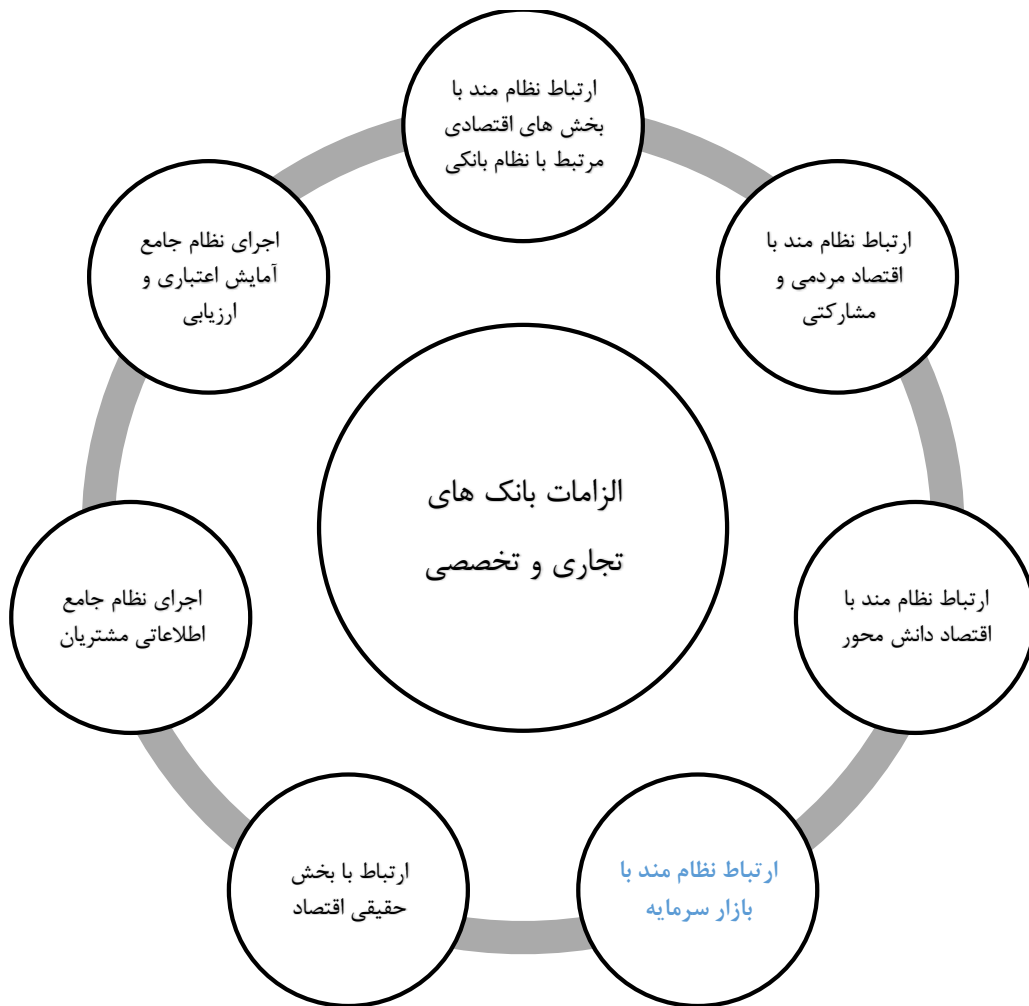
<sup>۴</sup> - لازم به ذکر است که در راستای اقتصاد دانش‌بنیان، بانک‌ها می‌توانند به مؤسسات علمی-آموزشی، مؤسسات و آموزشگاه‌های تخصصی فنی‌وحرفه‌ای، کارودانش و... نیز در راستای افزایش نیروهای انسانی تحصیل‌کرده (خصوصاً در زمینه‌های فنی-تخصصی) نیز سرمایه‌گذاری نمایند؛ تا ضمن گسترش بنگاه‌های دانش‌بنیان، زمینه توانمندسازی نیروی انسانی نیز فراهم شود. لذا حمایت مالی از طرح‌های پژوهشی نیز از دیگر موارد قابل طرح است (حقیقی و مؤمنی نژاد، ۱۳۹۴: ۳۵۹-۳۵۸).

## ۷- وجود ارتباط نظام‌مند با سایر بخش‌های اقتصادی مرتبط با نظام بانکی

روشن است که نظام بانکی به‌تنهایی نمی‌تواند سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را در کشور اجرایی سازد. مسلماً همگرایی و هماهنگی بین بخش‌های اقتصادی مرتبط با شبکه بانکی اعم از نظام مالیاتی، نظام گمرکی، نظام آموزشی، بخش صنعت، بخش خدمات، تعاونی‌ها، بخش خصوصی و... لازم است و هرکس باید به‌نوبه خود نقش خود را خوب ایفاء کند تا سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به‌خوبی اجرا شود. اتصال سامانه‌های اطلاعاتی نهادهای مزبور به شبکه بانکی، هم می‌تواند به شبکه بانکی در ارائه خدمات به مشتریان بهتر کمک کند و هم نهادهای مزبور می‌توانند رویه‌های خود را با همکاری شبکه بانکی بهتر انجام دهند. برای مثال در صنعت بانکداری امروزه مباحثی همچون بانکداری باز مطرح می‌شود که در آن بانک به‌صورت سفارشی نرم‌افزارها و خدماتی را برای یک صنعت یا شرکت خاص مانند صرفی، بیمه و... ارائه می‌دهد و هر دو طرف از منافع حاصل همچون افزایش سرعت و کیفیت عرضه خدمات بهره‌مند می‌شوند. چنین رویکردهایی از یک‌سو باید به‌صورت بومی در جهت مقاوم‌سازی نظام بانکی کشور به کار گرفته شود. چراکه در صورت بومی نبودن این‌گونه فناوری‌ها امکان ایجاد نظام بانکی در جریان تحریم‌های بین‌المللی به وجود خواهد آمد (قلیچ و خوانساری، ۱۳۹۴: ۱۳). از سوی دیگر، برای هر حرکت بزرگ و ملی، وجود هماهنگی و انسجام ضروری است. با توجه به اهمیت نظارت و بازرسی در جلوگیری از وقوع تخلفات و فسادهای مالی لازم است که تمامی نهادهای نظارتی و قضایی با وحدت رویه بستری آرام و مطمئن را برای فعالیت بانک‌های تجاری و تخصصی کشور فراهم سازند. بدیهی است موازی کاری، تداخل مسئولیت‌ها و نیز تضاد قوانین و مقررات از کارآیی این نهادهای حیاتی در کشور می‌کاهد. برای نمونه در زمینه‌هایی مانند وصول مطالبات غیر جاری، مبارزه با پول‌شویی و مفاسد بانکی، تشخیص متخلفان واقعی و برخورد قاطع با آن‌ها به همکاری تنگاتنگ بانک مرکزی، قوه قضاییه و نهادهای نظارتی نیازمند است (همان: ۱۰۵).

همچنین در این راستا می‌توان به راه‌اندازی سامانه‌های اطلاعاتی نهادهای مزبور به شبکه بانکی اشاره نمود. مثلاً با اتصال سیستم اعتبارسنجی و تسهیلات دهی بانک‌ها به نظام مالیاتی کشور، متقاضیان تسهیلات (اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی که فرار مالیاتی داشته‌اند و دارای دفاتر حسابداری غیر از دفاتر اصلی خود می‌باشند (که اصطلاحاً دو دفتره گفته می‌شوند)) را جهت شفافیت نظام اقتصادی و جلوگیری از فرار مالیاتی و فساد اقتصادی، به سازمان امور مالیاتی کشور معرفی نمایند (حقیقی و مؤمنی نژاد، ۱۳۹۴: ۳۵)؛ بنابراین ارتباط نظام‌مند با سایر بخش‌های اقتصادی مرتبط با نظام بانکی می‌تواند از الزامات بانک‌ها در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی باشد.

14



نمودار الزامات بانک های تجاری و تخصصی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی

### بحث و نتیجه‌گیری

تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار بر کشورها به‌منظور تغییر رفتارهای سیاسی یا اقتصادی آن‌ها استفاده می‌شود. این تحریم‌ها می‌توانند تأثیرات گسترده‌ای بر اقتصاد یک کشور داشته باشند که برای مقابله با این تهدیدات و افزایش پایداری اقتصادی، بانک‌های تجاری و تخصصی باید نقش فعالی در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی ایفا کنند. در این پژوهش تلاش شد تا به این پرسش پاسخ داده شود که الزامات بانک‌های تجاری و تخصصی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی چیست؟ برای پاسخ به این سؤال، بررسی رابطه بین اقتصاد مقاومتی و نقش بانک‌ها در این زمینه و همچنین اهمیت ایجاد نظام اطلاعاتی و شیوه ارتباط نظام‌مند با بخش‌های مرتبط با اقتصاد موردتوجه قرار گرفت. نشان داده شد که اقتصاد مقاومتی به معنای تقویت بنیان‌های اقتصادی داخلی، کاهش وابستگی به منابع خارجی و افزایش پایداری و تاب‌آوری اقتصادی در برابر شوک‌ها و تحریم‌های خارجی است. بانک‌ها به‌عنوان نهادهای مالی اصلی و ستون فقرات اقتصادی کشورها، نقش حیاتی در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی دارند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که برای تحقق اقتصاد مقاومتی، الزامات متعددی برای بانک‌های تجاری و تخصصی وجود دارد که باید رعایت شوند.

ایجاد و استفاده از یک نظام جامع اطلاعاتی مشتریان به‌منظور کنترل مطالبات معوق و کاهش ریسک‌های اعتباری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این نظام با جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات دقیق و به‌روز از مشتریان، به بانک‌ها امکان می‌دهد تا ریسک‌های مرتبط با اعتبارات را به حداقل برسانند. به‌علاوه ارتباط نظام‌مند بین بانک‌ها و بخش تولید و خدمات برای هماهنگی بهتر و افزایش پایداری اقتصادی ضروری است. این ارتباط کمک می‌کند تا بانک‌ها بتوانند نیازهای مالی واقعی تولیدکنندگان و ارائه‌دهندگان خدمات را شناسایی و به‌طور مؤثرتری برآورده کنند. تقویت ارتباط بین بانک‌ها و بازار سرمایه می‌تواند به تأمین مالی بلندمدت و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و زیربنایی کمک کند. این ارتباط به بانک‌ها امکان می‌دهد تا از ابزارهای مالی متنوع‌تری برای تأمین مالی پروژه‌های بزرگ استفاده کنند. مقاله نشان داد که برای حمایت از نوآوری و توسعه فناوری، ارتباط نظام‌مند بین بانک‌ها و اقتصاد دانش‌محور ضروری است. تقویت ارتباط با اقتصاد مردمی و مشارکتی به تقویت اقتصاد ملی کمک می‌کند و همچنین هماهنگی و همکاری با سایر بخش‌های اقتصادی برای ایجاد یک سیستم اقتصادی پایدار و مقاوم ضروری است. بانک‌ها باید با بخش‌های مختلف اقتصادی مانند صنعت، تجارت، کشاورزی و خدمات ارتباط داشته باشند تا بتوانند نیازهای مالی این بخش‌ها را به‌طور دقیق شناسایی و برآورده کنند. در نتیجه باید گفت این الزامات نشان می‌دهند که برای تحقق اقتصاد مقاومتی، بانک‌های تجاری و تخصصی باید به‌طور فعال در ایجاد و تقویت ارتباطات نظام‌مند با بخش‌های مختلف اقتصادی و همچنین بهبود سیستم‌های اطلاعاتی خود تلاش کنند.

## منابع

۱. ابوالفضل غیاثوند و فاطمه عبدالشاه (۱۳۹۴)، مفهوم و ارزیابی تاب‌آوری اقتصاد ایران، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، پژوهشنامه اقتصادی دوره ۱۵، شماره ۵۹، شماره پیاپی، صص ۱۶۱-۱۸۷
۲. ابوجعفری، روح اله (۱۳۸۹)، بررسی الگوهای سازمان‌دهی نظام بانکی بدون ربا و پیشنهاد استفاده از روش‌های ریسک‌پذیر، دو فصلنامه علمی تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی، س ۲، ش ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۹، ص ۱۸۳.
۳. احمد بهشتی لنگرودی (۱۳۹۱)، نقش حاکمیت شرکتی در پیش‌گیری از بحران مالی و حفظ سلامت نظام بانکی، ۱۳۹۱، برگرفته از سایت: [www.donya-e-eqtasad.com/news/1055137](http://www.donya-e-eqtasad.com/news/1055137).
۴. بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۹۰)، در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور، مرداد ۹۰ و بیانات در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت و عسلویه، فروردین ۱۳۹۰. <http://www.khamenei.ir>
۵. بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۹۱/۶/۲)، در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲، برگرفته از سایت: <http://www.khamenei.ir>
۶. جلیلی، محمد (۱۳۸۶)، نظام سنجش اعتبار: یک راهکار عملیاتی برای مهندسی فرهنگ اعتباری، ماهنامه مهندسی فرهنگی، س ۲، ش ۱۴، دی و بهمن ۱۳۸۶.
۷. حقیقی، میثم؛ مؤمنی نژاد، ناهید (۱۳۹۴)، تبیین نقش نظام بانکداری اسلامی در خروج از شرایط رکود تورمی (با محوریت تحقق اصول اقتصاد مقاومتی)، اصفهان: مجموعه مقالات نخستین کنفرانس ملی رویکرد بانکداری اسلامی در خروج غیرتورمی از رکود، آذرماه ۱۳۹۴، ص ۳۵۶.
۸. صنیعی، احسان (۱۳۹۰)، آمایش سرزمین راهی به سوی تعادل نظام شهری و توسعه‌یافتگی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۹ و ۱۰، ۱۳۹۰.
۹. علوی‌منش، سید محسن (۱۳۹۲)، رویکردی به مفهوم و بایسته‌های جهاد اقتصادی، فصلنامه سیاست کلان، سال دوم، شماره ۲، ۱۳۹۲، صص ۷۲-۴۰.
۱۰. قلیچ، وهاب؛ خوانساری، رسول (۱۳۹۴)، عوامل مؤثر بر تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۴.
۱۱. لینو بریگو گلیو و دیگران (۱۳۹۹)، کاوشی در مفهوم مقاومت اقتصادی و روش‌های اندازه‌گیری آن، مترجم: حامد سعیدی صابر، برگرفته از سایت: <http://www.madreseeqtesad.ir/main/wp-content/uploads/2014/05/02>
۱۲. مجتهد، احمد؛ حسن زاده، علی (۱۳۸۰)، پول و بانکداری، تهران: انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی، تابستان ۱۳۸۰.
۱۳. مرکز مطالعات اقتصادی مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱)، اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن. کد موضوعی ۲۲۰. شماره مسلسل ۱۲۵۴۶.
۱۴. نجفی، محمدمهدی (۱۳۹۴)، درآمدی بر شفافیت بانکی، مطالعه موردی بخشنامه مصوب شفافیت و انتشار عمومی اطلاعات بانک مرکزی (ویرایش اول)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴.





۱۵. نظرپور، محمد نفی؛ حقیقی، میثم (۱۳۹۲)، ارتباط متقابل بانکداری اسلامی و بازار سرمایه، قم؛ انتشارات زمزم هدایت، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۲

۱۶. وهاب قلیچ و رسول خوانساری، عوامل مؤثر بر تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۴.

17. Thakor, A. V. (1996). **The design of financial systems: An overview**. Journal of Banking & Finance, 20(5), 917-948.